

کلام امروز

نگهبان

شبان دوگ شرودر

در طی سالهائی که کتاب مقدس رو میخونم و از او تعلیم میگیرم ، یکی از چیزهائی که در مورد کتاب مقدس منو شیفته خوش میکنه اینه که چقدر دوره انتظار که خدا مردم و اقوام رو وادار میکنه از اون عبور کنند طولانیه. شما مثالهائی رو در کتاب مقدس میبینید که افراد یکی دو سال انتظار نمیکشند بلکه گاهی چندین دهه در انتظار بسر میبرند تا وعده ای که خدا بهشون داده تحقق پیدا کنه اونا گاهی 20 یا 30 سال انتظار میکشند. اقوامی هستند که نبوت هائی در رابطه با اونها هست، هم منفی هم مثبت و گاهی تحقق اون نبوت ها صدها سال طول میکشه. زمانبندی خدا و وسعت کنترل او نه تنها در کل بر تاریخ، بلکه بطور کاملاً خاص در مورد اقوام و افراد باور نکردنیه. ما وقتی به انتظار برای خدا فکر میکنیم ، سعی خواهیم کرد این رو به خاطر بسپاریم و دیدگاهی کلی به دست بیاریم. مخصوصاً انتظار برای رهائی، رهائی از یک دشمن، رهائی از بیماری، رهائی از ترس آینده، و یا هر چیز دیگه ای. برای نیل به این منظور نگاهی به مزمور 130 خواهیم انداخت. این مزمور از گرفتاری صحبت میکنه و از خدا درخواست میکنه وارد عمل بشه و ما رو نجات بده. اون اینطور میگه: خداوندا، از شدت غم و اندوه به درگاه تو فریاد می کنم. خداوندا، فریاد مرا بشنو و به دعای من توجه فرما. خداوندا، اگر گناهان ما را به یاد آوری، چه کسی تبرئه خواهد شد؟ اما تو، خدای بخشنده هستی و ما باید به تو احترام بگذاریم. من بی صبرانه منتظر کمک از جانب خداوند هستم، زیرا به وعده او اعتماد دارم. من بیشتر از نگهبانانی که منتظر طلوع صبح هستند، در انتظار خداوند می باشم. ای اسرائیل، بر خداوند توکل کن، زیرا از روی محبت پایدارش همیشه مایل است که شما را نجات بخشد. او قوم خود، اسرائیل را

از تمام گناهانشان نجات می‌بخشد. در این مزمور، مزمور نویس از اعماق نزد خدا فریاد می‌زنه، از اعماق سیاه چال زندگی. میتونید به یوسف فکر کنید که برادرانش او رو به چاهی خشک انداخته بودند، میتونید به ارمیای نبی فکر کنید که او رو به زندان انداخته بودند و بعد آزاد شد اما فقط برای اینکه او رو به چاه بیندازند. ما به افرادی فکر میکنیم که زندانی شده بودند و چه سیاه چال وحشتناکی بوده. خیلی وقتها در دنیای باستان، زندان چیزی جز یک حفره نبوده که در زمین کنده شده بود و شخص رو از سوراخی به درون این تابوت وحشتناک مینداختند و در این فضای کوچک زندانیان نگهداری میشدند. میتونید ناله کردن از این مکان رو تجسم کنید؟ میتونید تجسم کنید که دنیای شما عملاً محدود به او فضای تاریک بشه؟ مسیحیان زیادی در طول تاریخ بودند که مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند. حتی امروزه هم هزاران نفر مسیحیان، در بسیاری از نقاط جهان تحت شکنجه و آزار قرار دارند. و از این سلولهای تنگ و تاریک و وحشتناک نزد خدا فریاد میکشند. خوب شرایط هر چی بوده به وضوح در این مزمور توضیح داده نشده و به صورت کلی بیان شده. این یکی از دلایلیه که چرا این مزمور برای ما خوبه، مهم نیست که در چه شرایطی هستیم وقتی احساس میکنیم که دنیا برامون مثل سیاه چال شده این مزمور میتونه به ما تسلی بده و کمک کنه. اما در فریاد نزد خدا برای نجات، برای رهایی، یکی از اولین چیزهایی که بهش اشاره شده اینه که ای یاه، اگر گناهان را به نظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد؟ هیچکدام از ما، موقعیت و دلیلی نداریم که ادعا کنیم در برابر خدا پارسا و بیگناه هستیم. فقط بخشش خدا هست که ما رو پارسا میکنه به این دلیله که خدا مهیب هست. به این دلیله که خدا نیز او را بغایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامها است، بدو بخشید. تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر. چرا به خاطر قدرت و عدالت و عظمت او؟ نه به خاطر محبت و رحمت او. ما نمیدونیم که چی بر سر راهمون خواهد بود. شاید چیزی هست که همین الان در زندگی ما خودش رو

نشون داده. شاید چیزی باشه که هنوز نیومده و ما رو گرفتار خواهد کرد، و ما رو در این سیاه چال قرار خواهد داد. در این گرداب ترس ، سرطان، و نگرانی. در زندگی ما ممکنه تا مدتی همه چی عالی باشه اما ناگهان مصیبت و فلاکت از راه میرسه، این زمانی هست که ما احساس میکنیم درست مثل آیه 2 نزد خدا فریاد میزنیم اونجا که میگه: خداوندا، فریاد مرا بشنو و به دعای من توجه فرما . ما گاهی در حیرت هستیم که آیا کسی گوش میکنه؟ خوب برای خداوند باید انتظار کشید. او میخواد ما اعتماد و امید رو یاد بگیریم و این چالشی برای ما هست چون ما همیشه دنبال راه حل فوری هستیم. ما پاسخ های آسان و ساده میخوایم اما ایمان در خلأ رشد نمیکنه جایی که همه چی عالی و آسون هست و همه چی همیشه به روال خود میچرخه، ایمان توسعه پیدا نمیکنه. ایمان توسط چالشها و امتحانات توسعه پیدا میکنه خواه ما دوست داشته باشیم یا نه روش کار این هست. اینجا قیاس جالبی در مورد نگهبان هست، مثل اینکه شب هست و احتمال زیادی هست که حمله بشه. این دلواپسی هست که ما سعی میکنیم ببینیم در آینده بالقوه چه اتفاقی خواهد افتاد، اما نمیتونیم بدونیم. این چیزیه که در آیات 5 و 6 گفته شده اونجا که میگه: من بی صبرانه منتظر کمک از جانب خداوند هستم، زیرا به وعده او اعتماد دارم. و بعد با قیاس نگهبان توضیح میده . من بیشتر از نگهبانانی که منتظر طلوع صبح هستند، در انتظار خداوند می باشم . ما این روزها دیگه از کلمه نگهبان استفاده نمیکنیم. اگرچه در بعضی مشاغل هنوز هم نگهبان شب وجود داره. افرادی هستند که مسئول امنیت هستند و باید در طی ساعات مشخصی مراقب و هشیار باشند و از محدوده خاصی مراقبت کنند تا در طی اون ساعتها کسانی وارد اون محوطه نشند و امنیت اون قسمت رو مختل نکنند. و در صورت لزوم آلام رو بکار بندازند. ما هنوز هم از بعضی جهات این رو میبینیم. البته این روزها خیلی در جا ها با قرار دادن دوربین های ویدیویی اونها سعی میکنند، اگر جرمی واقع بشه اون رو ضبط کنند. در زمانهای باستانی کار نگهبان بسیار جدی بود. کار اونها ، اهمیت حیاتی داشت. اونها روی حصار های شهر می ایستادند البته حصار ها در اون ایام مثل حصارهای امروزی نبود اون

دیوار ها بسیار عریض بودند تقریباً هم عرض یک اتاق امروزی. عملاً در بعضی موارد اتاقهایی درون دیوار شهر تعبیه میشدند و بالای دیوار مانند یک پیاده رو عریض و مسطح بود این دیوار ها مانند حلقه ای دور شهر کشیده شده بودند. در زمان داود پادشاه اکثر شهر ها اینگونه بودند. این نگهبانان میتوانند بالای دیوار قدم بزنند و به اعماق تاریکی نگاه کنند که آیا چیزی میاید؟ آیا دشمنی نزدیک میشود؟ زمان بسیار نگران کننده ای بود. در طی روز نگهبان میتونست تا کیلومتر ها رو ببینه اما در شب هیچ چیز واضح دیده نمیشد. البته فن آوری امروزه توسط نورهایی با طول موج متفاوت به ما کمک میکنه که در قلب تاریکی نفوذ کنیم و در تاریکی هم ببینیم. اما در اون ایام چنین امکاناتی نبود. اما هنوز هم با همه پیشرفت های حاصل شده ما نمیدونیم آینده برای ما چه چیزی در نظر گرفته. یادتون باشه که یهودیان بر این باور بودند که شما با چشمانی بسته به سوی آینده میرید و نمیدونید چی پیش خواهد اومد اما با ادراکی کامل. به همون ترتیب ما نگاه میکنیم، مراقب هستیم و میخوایم از آینده با خبر باشیم که چه اتفاقی خواهد افتاد، شاید از وقایع بزرگی که اتفاق خواهند افتاد خیلی هراسان باشیم یا ممکنه غافلگیر بشیم و زندگیمون نابود بشه و یا تهدید بشیم. به این دلیل که نزد خدا فریاد برمیاریم. و به این دلیل که منتظر طلوع سپیده هستیم. منتظر طلوع صبح، صبحی که با عیسی مسیح میاد همون حیات ابدی هست. این بازگشت عیسی هست. طلوع پادشاهی او در سراسر زمین. این چیزیه که به ما تسلی میده و این چیزیه که ما منتظرش هستیم. در ضمن انواع بی بصیرتی هست. انواع ناتوانی برای دیدن آینده و چیزهای بیشماری هستند که میتونند ما رو به وحشت بیندازند یا نگران کنند. اما به جای اون ما میتونیم نزد خدا فریاد بزنیم و او رو به یاری بطلبیم و امید و اعتمادمون برای حفاظت به او باشه تا او بتونه ما رو محافظت کنه و در امان نگهداره. ما منتظر آینده هستیم. ما مشتاقانه منتظر طلوع صبح هستیم. به این دلیل که به امید نیاز داریم، حتی در زمانهای تاریکی، حتی در زمانهایی که در معرض خطر هستیم. خواه موقعیتی شخصی باشه اونطور که در مزمو 23 میگه: حتی اگر از وادی تاریک موت نیز بگذرم از بدی

نخواهم ترسید. و خواه موقعیتی ملی باشه وقتی که به نظر میرسه اوضاع آشفته است و هرج و مرج برقراره و تهدید کننده است. ما امید داریم و منتظر رهائی از جانب خدا هستیم. او تنها کسیه که میتونه ما رو از اون سیاه چال بیرون بباره. او تنها کسیه که میتونه ما رو از گناهانمون نجات بده. پس هرگز امید و اطمینانتون رو به توانائی خدا برای نجات از دست ندید. در ضمن ما مانند نگهبانی هستیم که ایستادیم و در تاریکی نگاه میکنیم و نمیتونیم بگیریم که چی در راه هست. من شما رو نمیدونم اما من آرزومند طلوع پادشاهی مسیح در آینده هستم، منتظر روز رستگاری هستم که تماماً در شخص عیسی مسیح درک میشه. شما فرا خوانده شدید که نگهبان باشید، منتظر باشید نگاه کنید و در انتظار این طلوع باشید. بیایید تنبلی نکنیم، بیایید بی ملاحظه نباشیم. بیایید منتظر بازگشت عیسی مسیح باشیم، و برای این آماده بشیم چون اون روز نجات ابدی در نام او طلوع خواهد کرد.